

متن پیاده سازی شده جلسه پانزدهم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 12 آبان 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که اندیشه مرحوم آقای بروجردی را بررسی می کردیم و می خواستیم ببینیم آیا اندیشه ایشان در مساله تاثیری دارد یا نه؟

ایشان فرمود که در مسائل اساسی و مادر در متون قدما اگر عبارتی ذکر شود می شود آن عبارت را وزان روایت فرض کرد و در نتیجه قائل به کارایی سندی شد.

تعبیر ایشان این است: فکان بناء الاصحاب فیها (در مسائل اصلی) علی نقل هذه المسائل بالفاظها الماثوره او القریبه منها طبقاً بعد طبق واتصلت سلسلتها الی اصحاب الائمة (فرض کنید شیخ طوسی طبقه اول قبل از شیخ تا برسد به اصحاب ائمه علیهم السلام فیکون وزانها وزان الاخبار الماثوره فی کتب الروایه

یعنی وزان کتب روایی با فقهی یکی است ؛ البته ایشان می فرماید در مسائل غیر اصلی یا مسائلی که حدود موضوع را مشخص می کند اگر متنی در کتب فقهی بیاید وزان روایت را ندارد.

استاد علیدوست: دوستان ما سخنی که با مرحوم امام خمینی داشتیم با ایشان هم داریم و عرض می کنیم آیا این تفصیل در مساله شد؟ شما آمدید فقط برای روایت مشهور یک مصداق درست کردید اما نسبت به فتوای مشهور تفصیلی ندادید و بحث ما در فتوایی مشهور است نه روایت مشهور

تذکر : از مرحوم آقای بروجردی نوشته مستقیمی وجود ندارد و فقط تقریرات منتسب به ایشان به دست ما رسیده است ممکن است ایشان گفته باشد این ها که در کتب فقهی می بینید که فتوا نما است فتوا نمی باشد بلکه روایت مشهور است و با آنها معامله روایت باید کرد.

ما یک عبارت دیگری از آقای بروجردی داریم در کتاب حاشیه بر کفایه بر اساس مبانی آیت الله بروجردی

این تقریرات را آقای حجتی بروجردی نوشته است؛ ایشان در آن کتاب وقتی بر مطلب شهرت وارد می شود می فرماید حکم مشهور در متون فقهی دو قسم است

1: مشهور در میان اصحاب ائمه علیهم السلام (این قسم حجت است چه روایتی مطابق این مشهور باشد یا نباشد)

2: مشهور در غیر اصحاب ائمه علیهم السلام (این قسم حجت نیست)

بعد ایشان وارد استدلال می شود و مقبوله ابن حنظله را به همراه استدلال مطرح می کند بعد ایشان می فرماید اگر شهرت در روایت باشد اما فقها فتوا نداده باشند این نقص روایت محسوب می شود ؛ شهرت در فتوا هم باید ما را به اطمینان به رای امام علیه السلام برساند

الحاشیة علی کفایة الأصول ؛ ج 2 ؛ ص 93

ان المراد بالشهرة المذكورة في الرواية المذكورة هو الشهرة في الفتوى لا في الرواية، و ذلك لدلالة قوله عليه السلام: «المجمع عليه لا ريب فيه» فان نفي الريب في كلامه عليه السلام إنما يكون عما اشتهر بين الأصحاب من الحكم و رأي الإمام عليه السلام، و من المعلوم ان الشهرة في الحكم إنما تكون بحسب الفتوى، لا الألفاظ المروية عنه عليه السلام
سپس بعد از چند خط می فرماید:

الحاشیة علی کفایة الأصول ؛ ج 2 ؛ ص 95

ثم اعلم ان مقتضى الرواية المذكورة هو الحجية مطلقاً، سواء أ كان على طبق المشهور رواية أم لا، و سواء أ كان تعارض في

البین أم لا، و سواء أ كان بنحو الانطباق أو الاستناد

ببینید دو ویژگی بارز در کلام دوم است که در کلام اول نیست

در نقل نهاییه الاصول به نقل بر الفاظ اصرار شده است اما در حاشیه بر کفایه اصراری ندارد که بگوید شهرت کاشف از الفاظ است بلکه در یک جا که تعبیر می کند می فرماید رضایت امام علیه السلام را می رساند ؛ یعنی آقای بروجردی می فرماید شهرت بین اصحاب ، کاشف از رای امام علیه السلام است.

نکته دیگر: تا به حال چه در انوار الاصول مرحوم امام خمینی چه در نهاییه الاصول صحبت از کتاب کافی و مغنه و... بود اما در حاشیه بر کفایه ، تکیه کلام ، بر اصحاب ائمه علیهم السلام است؛ اصحاب ائمه علیهم السلام هم کتاب های را نوشته اند ؛ ممکن است نظر آقای بروجردی ناظر به اصحاب ائمه باشد و برخی اشکالات به کلام ایشان وارد نشود. استاد علیدوست : ببینید کمک کار آقای بروجردی می تواند مقبوله ، بنا عقلا و حساب احتمالات باشد و با این سه راه می شود از این اندیشه دفاع کرد.

استاد: نکته پایانی: ما معتقدیم شهرت به معنای اصولی اش یعنی گرایش غالب فقها در مقابل غیر غالب ؛ این شهرت سندی بر اعتبارش وجود ندارد.

مقبوله که دلالت بر این مطلب نداشت؛ بنا عقلا و حساب احتمالات هم اگر ما را به اطمینان برساند درست است اما چنین اطمینانی نیست.

اگر فتوای مشهور کاشف (قطعی و اطمینانی) از رای امام علیه السلام باشد این باید عمل شود؛ کاشف قطعی که معلوم است اما اطمینان جای بحث دارد، مبانی حجیت اطمینان 1: بر مبنای حجیت اطمینان 2: باید انسدادی شویم و می دانیم که انسدادی سراغ هر ظنی می رود و به طریق اولی به سمت اطمینان می رود؛ 3: راه سومی نیز وجود دارد که نه گزینه اول است و نه دوم؛ بگویم اطمینان حاصل از فتوای مشهور ، کمتر از یک خبر نیست بلکه بهتر از یک خبر است (خیر الطرق المیسره) اعتقاد ما حجیت فتوای مشهور به عنوان خیر الطق المیسره است.

نکته: به نظر ما اگر اینگونه برخورد کنیم خیلی از اختلافات بر طرف می شود.

و الحمد لله رب العالمین